

درس‌هایی از سوریه و لبنان

نهادینه‌سازی تعلق به بافت تاریخی شهر



ترانه بلدا
دکتری معماری

آنچه می‌توان از سوریه و لبنان آموخت، قبل از هر چیز نگاه آنها به میراث تاریخی و فرهنگی‌شان است. از آنجایی که در جلسه خانه هنرمندان، قرار بود خانم دکتر «سپیده شفایی» دوست و همسفر نگارنده از مسایل جدی شهرسازی سخن بگوید، تلاش بر این شد که ابتدا دوستان شهرسازمان را به شناختن سرزمین شام و شهرهای قدیم و جدیدی که از آن برخاسته بود، علاقمند کرده و نشان داده شود که چگونه این سرزمین کهن تداوم خود را به کوشش مردمانش حفظ کرده است. عشق این مردم به سرزمین و شهر خود باعث شده در شهر مدرن امروز، قلب تاریخی شهر با احترام حفظ و نگهداری شود.

هدف نگارنده از نشان دادن علاقه و دریافت عمیق مردم سوریه و لبنان به میراث و هویت ملی، این بود که گفته شود: اگر عناصر معنوی و البته مادی شکل‌گیری هویت را نشناسیم و آن را از آن خود ندانیم و در ذهن خود نهادینه نسازیم، هرگز نخواهیم خواست و نخواهیم توانست بافت تاریخی را حفظ و تداوم بخشیم، زیرا ضرورت آن را حس نمی‌کنیم. این بحث در درجه اول، هستی‌شناسانه و احساسی است. چنانچه اگر فرقی بین اصل و فرع قائل نشویم و اصل میراث برایمان ارزش نداشته باشد-که نزد بسیاری از مردم، مسئولین، سرمایه‌داران و دست‌اندرکاران مداخلات شهری، متأسفانه و به هزار دلیل اقتصادی و فرهنگی، چنین است!-هرگز نخواهیم توانست آن را برای خود حفظ و از آن بهره‌برداری کنیم.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، بازسازی، شهرداری، سوریه، لبنان، محله «سولیدر».

بافت تاریخی تهران ... کدام نگاه؟ کدام متولی؟

طبق یک نظرسنجی در پایگاه اینترنتی «ایکوموس»^۱ در مورد وضعیت حفاظت و مرمت سایت‌های تاریخی ایران؛ ۵۲ درصد آن را خیلی بد، ۳۹ درصد بد و ۸ درصد متوسط اعلام کرده‌اند.

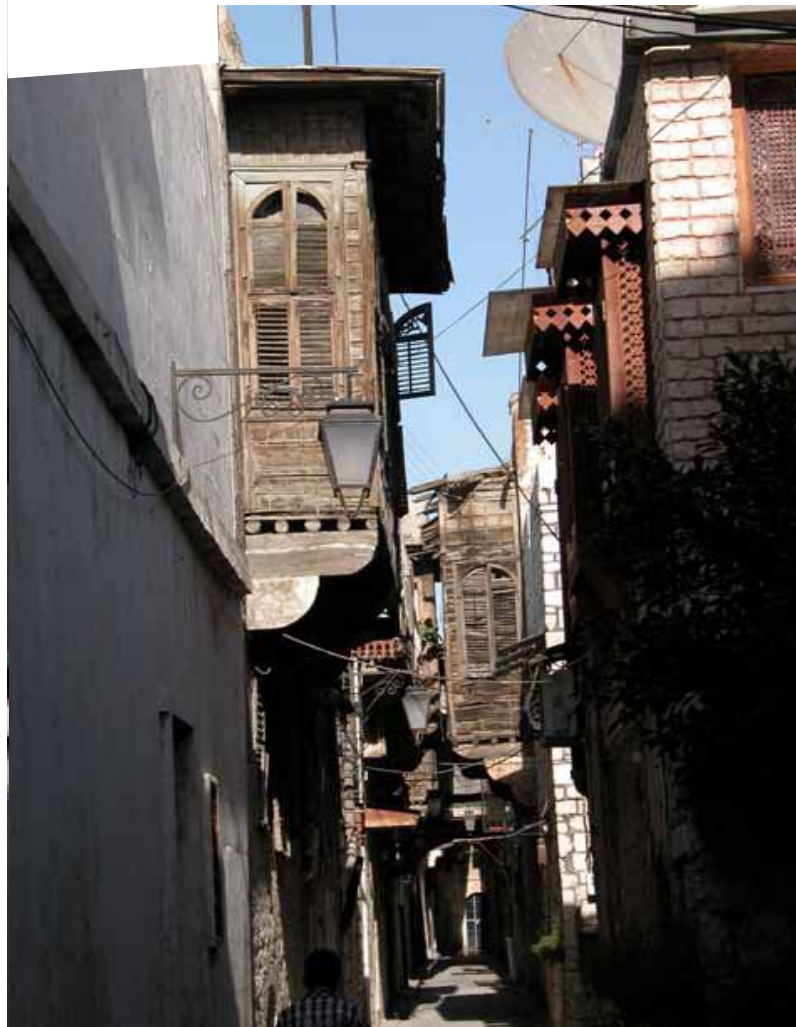
پیش از این مقرر شده بود که ۵۰۰۰ خانه تاریخی دیگر به لیست میراث تهران (که ۴۱۲ بنا در آن ثبت است) اضافه شود؛ اما بیش از نیمی از این خانه‌های منتظر ثبت، در سال‌های اخیر تخریب شد و گفته می‌شود که از ۲۳۰۰ اثر باقی‌مانده، تعداد زیادی از بین رفته است.^۲

در مورد بافت تاریخی شهر تهران برخی معتقدند که: "میراث ما ازخشت، گل و آجر است. سالیان دراز به آن رسیدگی نشده و به حال خود رها شده، همه کاشی‌هایش ریخته و از بین رفته است. بافت‌های قدیم تاریخی، کوچه‌های باریک غیرماشین‌رو دارد و قابل زندگی نیست. تأسیسات شهری به آنجا راه ندارد. مردمش بعضاً فقیر و معتادند. توریست هم که نداریم! پس باید از شر این کانون‌های پردردسر قدیمی راحت شد!"

اتفاقاً در جریان تهیه طرح جامع جدید تهران در همین سو، چنین گامی برداشته شد:

با مطرح شدن داستان ضرورت نوسازی بافت‌های «فرسوده»- که منظور نوسازی بافت‌های مسئله‌دار قدیمی بود- جامعه شهرسازی کشور (شامل وزارت مسکن، شهرداری‌های کشور و سازمان‌های وابسته، مشاورین و ...) قبول کرد که این اقدام (ولو از ترس زلزله) را باید پیش گرفته و برخی بافت‌ها را از بن نوسازی کرد. البته، این اقدام به آسانی میسر نشد. اما در این جریان، تنها چیزی که مطرح (یا

۱ و ۲: ورود از کوچه‌های باریک، ناگهان به صحن مکان‌های تاریخی، مثلاً مسجد اموی، بسیار تأثیرگذار است، عکس: نگارنده.



شهر قدیم دمشق، تداوم خاطره‌ها

دمشق، شهری ۴ میلیونی و سرسبزتر از تهران است که رودخانه «برد» و نهر و جوی‌های منشعب از آن در شهر، محورهای گردشگری شهر را تشکیل می‌دهد (در تهران نیز قرار است چنین شود).

شهر قدیم در جنوب مرکز شهر مدرن قرار گرفته و دو دروازه «باب شرقی» و «باب توما» آن را از طریق شبکه کمربندی سواره اطراف- که دور باروی قدیم می‌چرخد- جدا می‌کند. وسعت دمشق قدیم چیزی بین طهران طهماسبی و طهران ناصری است و می‌توان تمام آن را یک‌روزه بازدید کرد. هیچ خودرویی به شهر قدیم راه ندارد (مگر در گشایش‌های بسیار کوتاه) و در قلب بافت تاریخی که مسجد اموی و بازارها را در بر می‌گیرد، از انواع چرخ‌های دستی و وسایل کوچک موتوری برای بردن بار استفاده می‌شود. همین ممنوعیت ورود خودرو باعث می‌شود کوچه‌های باریک، ۲-۳ متری برای پیاده‌ها بسیار مناسب باشد و عبور از این کوچه‌های باریک، ورود ناگهانی به حیاط و صحن مکان‌های تاریخی، مثلاً مسجد اموی، بسیار تأثیرگذارتر نیز بشود (تصویر ۱ و ۲). بازارها مالا مال از جنس است، سوق‌ها به زیبایی مرمت شده است. نور از سقف به داخل می‌آید و ساختارهای آهنی مدرن با فرغوزه، درهای تاشوی آکاردئونی با قاب آهن سیاه و چوب، بسیار خوش‌ساخت و متحدالشکل، به بازار جلوه‌ای خاص می‌بخشد. بازار دمشق با مصالح زیبا نظیر چوب به خوبی ترمیم شده است. سقف بازار «حمیدیه» کاربردی و سبک است که در مقایسه با مرمت بازار «تجریش» می‌توان تفاوت فاحش رویکرد و ظرافت اجرا را به خوبی مشاهده کرد!

تکیه «سلمانیه» با حمام‌های دوره عثمانی و موزه ملی با باغ کنار آن، زیر چشم تمام گردشگرانی است که در هتل‌های مدرن و بلندمرتبه شهر اقامت گزیده‌اند.

اما آنچه از اقامت در دمشق بیش از هر چیز تحسین برانگیز است، هتل‌ها و رستوران‌های ۵ ستاره شهر است که به تدریج و طی چند دهه اخیر توسط بخش خصوصی در خانه‌های شخصی و حیاط‌دار قدیمی تأسیس شده است. این «خانه- هتل»ها یا «بوتیک- هتل»ها که به بهترین وجهی مرمت و دکور شده است، گویی زندگی در قصه‌های هزار و یک شب را تداعی می‌کند؛ سنگ‌کاری‌های منقوش هندسی

پیگیری) نشد، تاریخی و ارزشمند بودن برخی بافت‌ها بود. از آنجا که این نوع بافت در مقابل کل بافت‌های مسئله‌دار و قدیمی ناچیز است، شایسته بود که دولت، یعنی سازمان میراث و نه شهرداری، در مقابل آنها مسئول باشد.

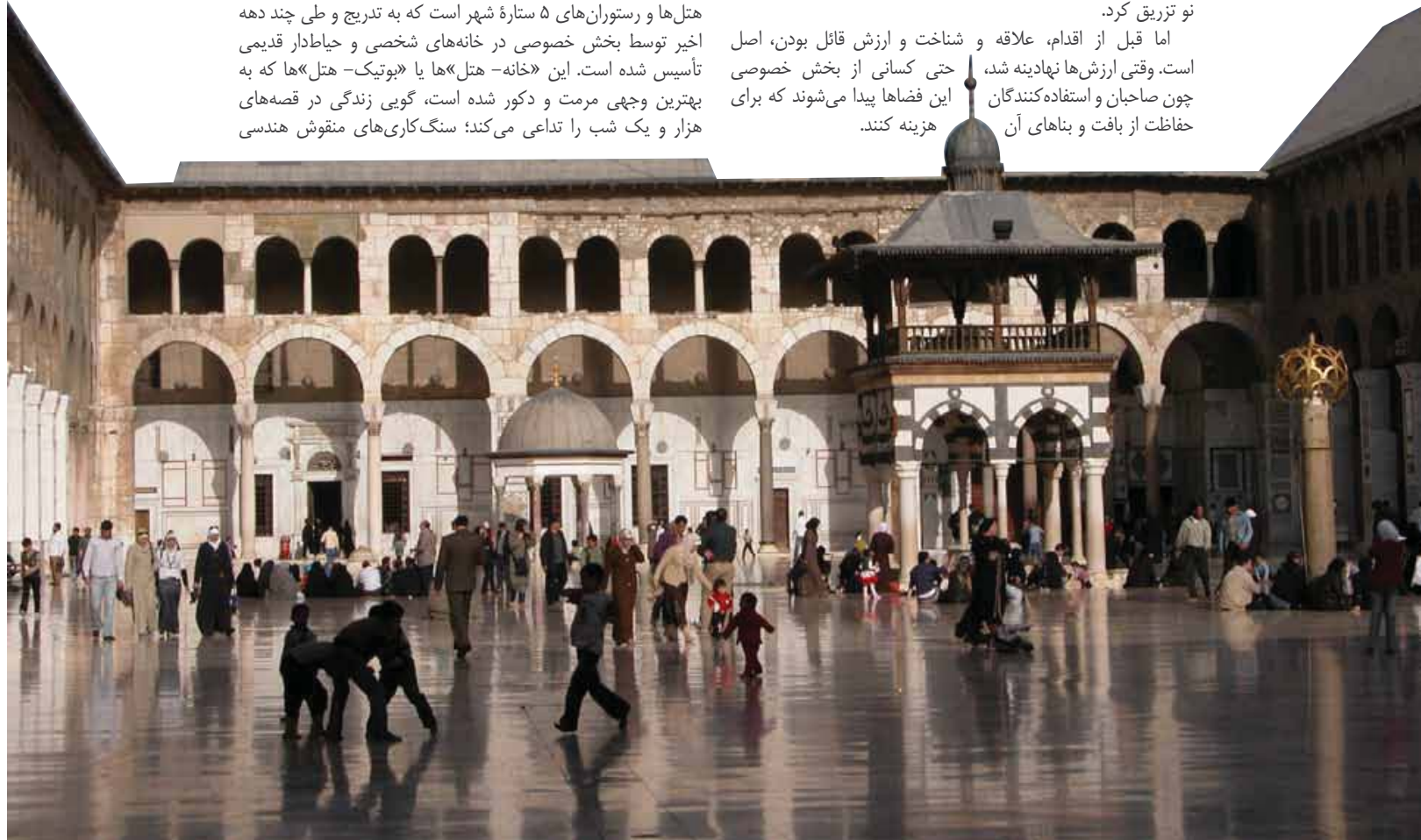
این روند نشانه بی‌علاقگی کلی جامعه حرفه‌ای ما نسبت به نشانه‌ها و بافت‌های تاریخی شهر بود، که هنوز هم در رویکردهای عملی شهرداری‌ها دیده می‌شود؛ اقداماتی بدون مطالعه کافی در بازارها و بافت‌های تاریخی شهرهای بزرگ که کاملاً با سمنه‌ای و بدون نشان از معماری ایرانی امروز یا معماری مدرن اصولی بارنگ و بوی ایرانی است. اگر به «شهرک سینمایی تهران» که «علی حاتمی» و «ولی خاندان» برای فیلمبرداری ساختند و «رضا مافی» خط سردرهای مغازه‌ها را نوشت، برویم؛ مطمئناً با آثار اصیل‌تری از کارهایی مانند مرمت «بازار تجریش» که امروز در جریان تعمیرات قرار دارند، رو به رو می‌شویم.

حرکت دیگر، پیشنهاد تأسیس «مدیریت بافت‌های تاریخی شهر تهران»، بدون مکان و دفتر و بدون استخدام جدید در مصوبه سال ۸۸ شورای شهر تهران است که نشانی از کم‌علاقگی به همراه قرار داشتن در تنگنا نسبت به بافت‌های تاریخی است.

متأسفانه ما با شهرداری‌هایی مواجه هستیم که به بافت تاریخی، به صورت موارد دست و پاگیر نگاه می‌کند و صریحاً ضرورت حفاظت از این بافت‌ها را «در دسرساز» نامیده و پیشنهاد می‌کنند علایم خانه‌های تاریخی از روی نقشه‌های طرح تفصیلی جدید پاک شود!

بنابراین، قبل از هر اقدامی باید در دل این افراد، علاقه و سپس مسئولیت ایجاد شود. انگیزه‌ای برای مرمت شایسته این فضاهای قدیمی و استفاده اقتصادی از آنها لازم است و قبل از آن تشخیص اینکه کجا ارزشمند و تاریخی است و کجا نیست؛ کجا می‌توان به این فضاهای شهری، حیات جدیدی دمید و آن را به مکانی دلچسب تبدیل و جنب و جوش و اقتصاد و سرمایه را در رگ‌های خشک آن از نو تزریق کرد.

اما قبل از اقدام، علاقه و شناخت و ارزش قائل بودن، اصل است. وقتی ارزش‌ها نهادینه شد، حتی کسانی از بخش خصوصی چون صاحبان و استفاده‌کنندگان این فضاها پیدا می‌شوند که برای حفاظت از بافت و بناهای آن هزینه کنند.



و مرقع در کفها و دیوارها، حوضها و فواره‌های کوچک، تخت‌های منبت‌کاری و خاتم‌کاری شده و ...
 گاه در حیاط‌های این خانه‌های سنگی قدیمی، به جای هتل، رستورانی درست شده بود، که اتاق‌های تزئین شده اطراف را نیز به کار می‌گرفت و در آن علاوه بر غذاهای متنوع محلی، موسیقی سنتی و حتی رقص و سماع در شب فضا را با نشاط می‌کرد.

بافت تاریخی حلب، احترام و علقه‌های مردم با گذشته

حلب پایتخت شمالی سوریه، به بازارها، آشپزی و موسیقی شهرت دارد. این شهر بیشترین گردشگر را از کشورهای آسیای میانه و با انگیزه خرید از بازارهای شهر قدیم، جذب می‌کند. البته شهر مدرن حلب نیز ابعاد وسیعی دارد و در آن هنوز محلاتی با معماری ارزشمند مدرن «آرت‌دکو»، مربوط به سال‌های ۱۹۳۰ دیده می‌شود که ساختمان‌های یکدست چند طبقه خود را حفظ کرده است. به نظر می‌رسد در سوریه رانت زمین و سوداگری در بخش ساختمان و مستغلات به شدت کشور ما نباشد. در ضمن به بافت‌های ساخته شده به عنوان ثروت ملی، میراث شهری و اجتماعی احترام بیشتری گذاشته می‌شود.

محل «جدیده» حلب، با بافتی قدیمی، اما با حال و هوایی آزادتر از بافت‌های اطراف بازارها، امتزاجی از اقوام و تأثیرپذیری از اروپا و فرانسویان را به نمایش می‌گذارد که حضورشان در سوریه در اوایل قرن تأثیر فرهنگی

ماندگاری داشته است. در این محله؛ کلیساها، کوچه‌های تنگ، بافت و ساختمان‌های آن با ارتفاع کم، رستوران‌ها و ... به خوبی حفظ شده که نشان از نظارت خوب سازمان میراث بر اتفاقات درون بافت دارد. در تعمیر خانه‌ها، اجازه فردگرایی و اعمال سلیقه بدون احترام به کل مجموعه داده نشده است، که این امر به خوبی از بالای قلعه حلب که بر شهر مسلط است، دیده می‌شود. در این شهر نیز از حضور ماشین در بافت تاریخی خبری نیست و بر حفظ عرض کم گذرها و حفظ بافت به طور جدی یافشاری می‌شود. به نظر می‌رسد که برای رفاه بیشتر گردشگران، کاربری‌های مزاحم به خارج از بافت انتقال داده شده است. اما در حلب قدیم همچنان با کارگاه‌ها و سراهای تولیدی قدیمی مواجه می‌شویم که کالاهایشان در همان بازارها به فروش می‌رود (تصویر ۳).

تجربه نوسازی بیروت، تمرکز برنامه‌ریزی و جذب سرمایه خصوصی

بیروت شهری مدرن است که محلات مختلف آن طی نیم قرن اخیر در طول ساحل دریای مدیترانه گسترده شده است. برخی محلات قدیمی‌تر و فقیرانه‌تر و بعضی جدیدتر و غنی‌تر است که یک اتوبان چند ده کیلومتری آنها را به یکدیگر متصل می‌کند.

مرکز شهر قدیم و محل سوق‌های قدیم بیروت، امروز به محله سولیدر (Solidere) یعنی «همبستگی» معروف است. این محله در زمان جنگ داخلی لبنان بیشترین آسیب را دید و هنوز در آن ساختمان‌هایی وجود دارد که نمای آنها با گلوله سوراخ شده است. پس از جنگ، مبلغ زیادی از سرمایه‌های ملی و عربی در پروژه بازسازی مرکز شهر، که زمانی بهشت موعود شیخ‌های خلیج فارس برای گردشگری بود، سرمایه‌گذاری شد. در اوایل سال‌های ۱۹۹۰، «رفیق حریری» با نوعی همبستگی ملی توانست با حرکتی سنجیده و حساب شده، نه تنها عزم و اراده سیاسی بلکه سرمایه گروه‌های مختلف دینی و اقوام و اجتماعات لبنانی و عرب را در یک پروژه گرد هم آورد که نتیجه آن شگفت‌انگیز است (تصویر ۴).

دخالته در بازسازی بیروت بر خلاف بهسازی در دمشق و حلب تدریجی نبود و به عهده مردم و سرمایه‌داران خرد گذاشته نشد. بلکه برای مرکز بیروت پروژه‌ای یکپارچه تعریف شد و شرکتی به نام «سولیدر» هدایت و کنترل کل روند کار، از طراحی تا



۳: اینیه با مصالح سنتی و صنایع دستی ترمیم شده و برنامه بازسازی، برای هنرمندان بسیار اشتغال‌زا بوده است، عکس: نگارنده.



پس از بازسازی



قبل از بازسازی



۴: تمامی ساختمان‌های آسیب‌دیده در جنگ لبنان حتی با ۹۰ درصد درجه تخریب، دوباره برپا شده است، مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده.

هتل و رستوران را ما نیز در یزد و اصفهان و شاید یکی دو شهر تاریخی دیگر داریم، اما هتل‌ها و مهمان‌پذیرهایی که در خیابان‌های «ناصر خسرو» و سایر خیابان‌های مرکز تاریخی شهر تهران قرار دارد، واقعا درخور نیست و حتی یک ستاره هم محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر تمام هتل‌های بزرگ در شمال شهر قرار دارد و از تنوع قیمت برای تمام اقشار و طبقات برخوردار نیست.

اگر از پتانسیل‌ها و امکانات بافت‌های تاریخی - که می‌تواند از هر شهر به شهر دیگر متفاوت باشد - آگاه شویم، اشتغال‌زایی و ایجاد جنب و جوش اقتصادی و فرهنگی برای ساکنان آن می‌تواند با هماهنگی و برنامه‌ریزی درست، میسر شود. اگر گام‌های اولیه (جمع کردن گروه‌های ذی‌نفع و به مشارکت طلبیدن آنها در اظهار نظر برای انتخاب بهترین پروژه محلی و سپس راه اندازی تسهیلات قانونی و مالی برای اجرای آن پروژه‌ها)، درست برداشته شود، شهرداری خواهد توانست به کمک شهرسازان، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و سایر متخصصین ترافیک، سازه، طراحان منظر و علاقمندان به تاریخ و مردم‌شناسی، چنان رابطه و سرمایه اجتماعی در محل ایجاد کند که خود ساکنین و کسبه از سر علاقه، تحقق‌پذیری پروژه را تأمین و تضمین کنند.

اجرا را به عهده گرفت. در محل این شرکت، ماکتی از کل منطقه مرکزی شهر با ابعادی عظیم وجود دارد که نشان از درک اهمیت و دقت کار است. ماکت‌ها و نقشه‌های دیگری هم از سوق‌ها و منظر شهر تهیه شده است. مدارک مسندی از فعالیت‌ها، پویایی و حرکت‌های فرهنگی و تجاری جاری در سولیدر، حکایت از بین‌المللی بودن منطقه و ارتباطات و استفاده‌کنندگان آن دارد.

رونق بافت تاریخی به حدی است که برخی از بریده‌شدن پای مردم عادی به منطقه «سولیدر» گلایه دارند، زیرا اینجا دیگر محل مارک‌های خارجی و برندهای شیک و لوکس اروپایی شده و سوق‌های قدیم عملاً برچیده شده است. اما همگی اذعان دارند که کار بازسازی، بسیار تمیز و بی‌نظیر است. سوق‌های مردمی دیر یا زود در نقاطی از شهر دوباره شکل خواهند گرفت و منطقه «سولیدر» نیز با محیط لوکس و زیبایی خود، دیگر بار بیروت را به عنوان پاریس خاورمیانه در سطح جهانی و برای اقشار مرفه سایر ملل مطرح خواهد کرد.

بافت تاریخی تهران را نجات دهیم

مشابه حفظ خانه‌ها و بافت تاریخی سوریه و لبنان از طریق تأسیس

جمع بندی

مقایسه روند نوسازی در کشورهای سوریه و لبنان با وضعیت بافت‌های تاریخی کشورمان، آموزنده است. با اینکه ایران از این دو کشور پهناورتر و ثروتمندتر است، اما ما هنوز نتوانسته‌ایم دوست داشتن میراث تاریخی را در رویکردمان به شهر پیشه کنیم. بافت‌های تاریخی شهرهای کشور و از همه بدتر تهران، در بالاتکلیفی به سر می‌برند. مسئولین نگران هستند؛ اما هنوز به نتیجه درستی نرسیده‌اند. هنوز به تعاریف و تلقی‌های نادرستی از این بافت‌ها برمی‌خوریم. در حالی که بافت تاریخی را نمی‌توان به این سادگی رونق داد و احیا کرد، زیرا این کار سختی است که چندان هم سودآور نیست.

ما به همفکری همگانی نیاز داریم تا یک مرحله عقب‌تر از شهرسازی، لزوم توجه به بافت تاریخی را در مقوله شهرشناسی، برای خود نهادینه کنیم. تفاوت فرهنگی ما با سوریه‌ها و لبنانی‌ها در این است که آنها گذشته خود را دوست دارند و مثل ما با آن قهر نکرده‌اند. آنها به مسایل خود عمیق‌تر نگاه می‌کنند و سنت‌های خود را در قالبی مدرن دوست دارند؛ در حالی که ما خود را باور نداریم و مقلد شده‌ایم.

پی‌نوشت

۱ www.iranicomos.org (این آمار تا روز ۶ مرداد ۱۳۸۹ داده شده است)

۲ روزنامه جام‌جم، ۱۳۸۸/۹/۸

